

دو فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره نهم، شماره اول (پیاپی ۱۷)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰ صص: ۳۱۱-۳۳۴

مطالعه تطبیقی اندیشه و آرای امام خمینی (ره) و سید قطب درباره اسلام سیاسی

بهزاد قاسمی^۱ و روح الله غلامی^۲

چکیده

امام خمینی (ره) و سید قطب، از اندیشمندان معاصر جهان اسلام بودند که در برون رفت جهان اسلام از گرفتاری سیاسی و اجتماعی تئوری پردازی کردند. گرفتار شده بودند. هر دو متفکر جهان اسلام که امام با مبانی فقه سیاسی تشیع و سید قطب مبتنی بر اندیشه سیاسی اهل تسنن در صدد ارائه راهکار عملی بودند. مقاله حاضر تلاش می‌کند با بررسی اندیشه و آرای امام خمینی (ره) و سید قطب به مبانی اندیشه سیاسی، وجوه اشتراک و تمایز تفکر سیاسی دو اندیشمند مسلمان معاصر در ایران و مصر «جهان اسلام» پردازد. این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که چه شباهت و تفاوت‌هایی بین نظام فکری امام خمینی و سید قطب وجود دارد؟ به نظر می‌رسد علاوه بر مبانی فقهی و تفاوت در دستگاه فکری تشیع و تسنن روش و نوع تفسیر از «اسلام سیاسی» در نزد دو متفکر تفاوت اساسی داشته هرچند هر دو در پایبندی به شریعت و پیوند وثیق دین و سیاست همفکر بودند؛ ولی آراء و اندیشه امام به هژومونیک شدن اسلام سیاسی انجامیده و تاثیر انقلابی در نهضت‌ها گذاشته است؛ این درحالی است که نوشته‌های فکری و تفسیر سید قطب سبب برداشت‌های افراطی و تندروانه «القاعده و تکفیر سنی» را در پی داشته است.

واژه‌گان کلیدی: امام خمینی، سید قطب، اسلام سیاسی، جنبش اسلامی، جاهلیت و افراط.

^۱ استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

ghasemi.b1981@gmail.com

000-0003-0086-2535

^۲ استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران.



CC BY-NC-SA

مقدمه

هدف از اندیشه‌ورزی نظری برای کاربرد عملی آن در جامعه و حل بحران سیاسی یا اجتماعی است. در جهان اسلام نظریات سیاسی متنوع و مختلفی ارائه شده و تنها در حد اندیشه نظری باقی مانده‌اند. بسیاری از نظریه پردازی‌ها امکانیت ظهور و بروز در جامعه سیاسی نیافته‌اند. نوشتار حاضر ضمن بررسی آرای سیاسی سید قطب و اندیشه سیاسی امام خمینی، مبانی فکری آن‌ها در باب اسلام سیاسی را بررسی کرده و تفاوت‌ها و پیامدهای سیاسی آن را مورد بررسی قرار خواهد داد. سید قطب تئورسین برجسته اخوان المسلمین مصر و مذهب اهل سنت، نخستین فردی است که در حوزه اسلام سیاسی پا فراتر گذاشته و با شبیه‌سازی و نام بردن جامعه «جاهلیت» جهان اسلام به خصوص جامعه سیاسی مصر، موضوع «قیام و جهاد» را علیرغم تایید در اندیشه سیاسی تسنن مطرح کرد. امام خمینی به عنوان نماینده فقه سیاسی تشیع موضوع ولایت فقیه را در عرصه جامعه سیاسی و جهان اسلام طرح و عملی کرد. امام نخستین اندیشمند و تئورسین در جهان اسلام هست که موفق شد نظریه سیاسی فقه تشیع «ولایت فقیه» را از عرصه نظری به عمل برساند؛ همانا مهم‌ترین هدف و غایت اندیشه سیاسی در وضعیت مطلوب خود نیز این است. ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر، بررسی اندیشه و آرای دو متفکر در جهان اسلام است؛ چرا که هر دو بر این باور بودند که دین و سیاست جدای از هم نیست و برای پاسخ به نیازهای جامعه و بشر الگو و آرای مناسب دارند. منطبق بر اندیشه دو اندیشمند دین اسلام توانایی اداره جامعه و دولت را دارد. پرسش اصلی پژوهش این است که اندیشه و آرای امام خمینی و سید قطب پیرامون اسلام سیاسی چه وجوه اشتراک، افتراق و نتایج عملی داشته است؟ روش پژوهش براساس توصیفی - تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ایی و فیش‌برداری از منابع دست اول در پی تایید این فرضیه است که هر دو متفکر، در شرایط و زمانه جامعه خود برای برون رفت از بحران به اندیشه ورزی پرداخته‌اند، هر دو راه حل بحران جامعه را در اسلام و پیوند دین و سیاست (اسلام سیاسی) دنبال کرده‌اند. تفاوت در فقه سیاسی و نوع اندیشه پردازی سبب عملی شدن تفکر امام و برداشت نادرست و افراطی از افکار قطب در جهان اسلام امروزی شده است. نوآوری مقاله در برجسته‌سازی و الگو شدن اندیشه

امام خمینی در نهضت‌ها و «محور مقاومت» جهان اسلام هست. علیرغم تلاش قطب در تئوری‌پردازی محل تردید و استفاده افکار تروریستی شده که، این مقاله نشان خواهد داد قطب توجه ویژه به «خلق الگوی نوین» در جهان اسلام داشت؛ ولی تئوری پردازی قطب و یا ضعف در ارائه اندیشه و عدم جامعیت تفکر قطب منجر به برداشت نادرست توسط برخی از افراط‌گرایان شده است. «قطب را پدر جنبش افراط‌گرایی در اسلام معرفی کرده‌اند و ترور سادات، شکل‌گیری القاعده را مرتبط با اندیشه وی می‌دانند» (Esposito, 202, p126). در این نوشتار تحلیل جدید متفاوتی ارائه شده که قطب در رشد و گسترش «اسلام‌گرایی معاصر» و «انقلابی شدن» جنبش‌ها در جهان اهل سنت که قیام را علیه حاکم مستبد «طاغوت» جایز نمی‌شمارند مجاز شمرده و دعوت کرده است. به نظر می‌رسد؛ قطب و اندیشه وی بیش از اینکه افراطی و تکفیری باشد اصلاحی و انقلابی است. در حقیقت، هدف قطب ارائه راه حل و برون رفت جامعه مصر و جهان اسلام از بحران سیاسی و اجتماعی بوده که ارائه نسخه «جهاد و مبارزه»، «تشکیل گروه پیشتاز» و عناوینی با این مضمون اندیشه و آرای وی را برای تفسیر گروه‌های تروریستی به خصوص القاعده مهیا کرده است. در نتیجه دلیلی بر توانمندی و پویایی اندیشه امام و ناکارآمدی اندیشه قطب و عدم موفقیت آن در عرصه اسلام سیاسی می‌باشد.

پیشینه تحقیق

درباره پیشینه پژوهش نیز گفتنی است که، پس از بررسی و مطالعه منابع مختلف پیرامون اسلام سیاسی و اندیشه امام خمینی و سید قطب درباره اسلام سیاسی به برخی منابع و اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و مقالات علمی منتشر شده در این زمینه اشاره می‌شود. درباره ادبیات و سوابق پژوهش گفتنی است که پژوهش مستقل و بصورت مقایسه تطبیقی با نگاه ویژه این مقاله انجام نشده است. برخی از مقالات عبارتند از؛ مقاله مجید فاطمی نژاد، با عنوان برداشت‌های القاعده از افکار جهادی سید قطب، که در پژوهشنامه سراج منیر چاپ شده است. این مقاله به برداشت‌های انحرافی القاعده از تفکرات سید قطب پرداخته است. در واقع تفکرات و اندیشه سید قطب به لحاظ عدم جامعیت و بیان دقیق از اسلام سیاسی بستر برداشت‌های نادرست از اسلام سیاسی را باز

گذاشته است. که در مقاله حاضر به آن پرداخته شده است. کتاب سیروس سوزنگر با عنوان اندیشه‌های سیاسی سید قطب است. این کتاب به فرایند زندگی سیاسی، شخصیت و اندیشه سیاسی قطب پرداخته است. این کتاب بیشتر جنبه توصیفی و تاریخی از فرایند تفکر سید قطب را ارایه کرده و توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی به صورت کتاب منتشر شده است. مقاله، الگوی مطلوب حکمرانی از دیدگاه امام خمینی و سید قطب؛ بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌ها توسط جلیل دارا و محمد لعل علیزاده نوشته شده است. در این مقاله نویسندگان وجوه اشتراک و افتراق اندیشه حکمرانی را بررسی و مقایسه کرده اند و در نتیجه یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر دو اندیشمند در نفی حکومت طاغوت و ظالم، ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و برخی کارکردهای حکومت، هم نظرند اما در تعیین شکل حکومت و چگونگی شکل‌گیری آن و شرایط حاکم اختلاف نظر دارند. با بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام شده در زمینه اندیشه سیاسی امام خمینی و سید قطب از یک سو اهمیت این موضوع آشکار شده و نشان می‌دهد که همچنان موضوع اسلام سیاسی در اندیشه امام خمینی و سید قطب محل پژوهش و در خور تحقیق و پردازش است. از سوی دیگر وجه تمایز مقاله حاضر با سایر پژوهش‌های انجام شده تبیین تاثیر گذاری اندیشه امام خمینی در بیداری اسلامی و برداشت رویکرد مقاومتی و نهضتی از آن است؛ ولی آنچه در نگاه و اندیشه گروههای تکفیری و جهادی وجود دارد اذعان به برداشت مشی جهادی از تفکر قطب شده است. رویکرد نظری مقاله حاضر در باب اسلام سیاسی این است که نشان دهد تفکر قطب همانند امام خمینی (ره) اصلاحی - انقلابی و توصیه به مبارزه با استکبار است، در حالیکه عدم جامعیت اندیشه (ناتوانی در تاسیس نظام سیاسی و گذار از سطح نظری به محیط اجرایی و تشکیل نظام سیاسی) و نحوه بیان (تاسیس گروه پیشتاز و اعلام جهاد و مبارزه با جاهلیت) و انتقال اندیشه سید قطب سبب برداشت نادرست از آن شده است. در نتیجه این زوایه نگاه خاص مقاله در پژوهش‌های انجام شده کمتر دیده شد. علاوه بر آن وجوه ممتاز مقاله تبیین و ارایه شناخت و فهم جامع از اندیشه قطب و امام خمینی که هر دو در صدد رهایی اسلام و

مسلمانان از جنبه استبداد و استکبار بوده‌اند. به تصویر کشیدن نقش اندیشه ای دو متفکر در اهمیت جایگاه اسلام و اسلام سیاسی در جامعه و توانایی آن در تاسیس نظام سیاسی است.

مبانی نظری اندیشه و آرای سید قطب در باب اسلام سیاسی

سید قطب در سال ۱۹۰۶ در شهرستان موشا مصر به دنیا آمد. در نوجوانی یک فرد آگاه سیاسی شد و به طرفداری از ناسیونالیسم ضد انگلیسی می‌پرداخت (کوپل، ۱۳۶۶: ۳۶). در سال ۱۹۲۵ در دانشگاه تربیت معلم پذیرفته شد، پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۹۲۸ در موسسه دارالعلوم ثبت نام کرد. سید مدتی نیز به عنوان بازرس فنی در آموزش و پرورش کار کرد؛ اما در سال 1940 از این کار انصراف داد. در سال ۱۹۳۳ به مدت ۱۶ سال استخدام وزارت معارف عمومی مصر بود وی سهم زیادی در مباحثات دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ داشت قطب به تدریج از حزب وفد فاصله گرفت تا اینکه در سال ۱۹۴۵ به طور رسمی از آن جدا شد، به اخوان المسلمین نزدیک‌تر کرد و در سال ۱۹۵۱ به عضویت جمعیت درآمد. ورود سید قطب به جمعیت نقطه عطفی در تاریخ تحول ایدئولوژیک اخوان المسلمین ایجاد کرد. ارائه تعریفی جدید از مسئله سیاست و حکومت در اسلام به شمار می‌آید. قطب در سال ۱۹۶۶ در زمان ناصر در زندان اعدام شد(حسینی فائق، ۱۳۸۶: ۱۳۶).

اصول و مبانی اندیشه‌ای قطب:

اندیشه و آرای سید قطب مبتنی بر برداشت و قرائت وی از دین اسلام است. وی معتقد اسلام با تمام شرایط اجتماعی و سیاسی بشر انطباق دارد و شریعت اسلام توانایی حکومت دارد. بر این اساس برداشت قطب از دین علاوه بر اجتماع و اقتصاد رویکرد سیاسی دارد و اسلام سیاسی است. هرچند قطب عضوی ساده در حزب ناسیونالیست وفد بود. در این سال‌ها علاقه واقعی او نه سیاست، بلکه ادبیات و روزنامه‌نگار بود(سوزنگر، ۱۳۸۳: ۳۷). ولی پس از آن به سیاست روی آورد.

از دیدگاه سید قطب، اسلام تنها یک تئوری نیست، بلکه یک برنامه است. «اسلام دینی برای واقعیت‌ها است؛ یعنی برای زندگی و دینی برای جنبش و یک دین برای عمل» (قطب، ۲۰۰۷: ۱۰۲). سید توضیح می‌دهد که ایمان واقعی مثبت است که باید در هر جنبه از حیات ظهور کند. بنابراین؛ «هر عملی که بر پایه ایمان شکل نگرفته، در پیشگاه خداوند ارزش و اعتباری ندارد». او مهم‌ترین شرایط ظهور و بروز عمل دینی را در میان مسلمانان در جهاد علیه غیر مسلمانان می‌داند؛ معتقد است جنگ دوره‌ای موقت و گذرا در زندگی مسلمان نیست، بلکه امری نهادینه شده است (قطب، ۱۹۸۲: ۳۶۶-۳۹۶). سید اسلام را به عنوان یک نظام هدفمند تصور می‌کند که همه جنبه‌های زندگی را کنترل می‌کند و قادر به پاسخ‌گویی به همه نیازهای بشر است. از نظر وی، «شریعت تنها محدود به قوانین دینی نیست، بلکه شامل حکومت، اخلاق، رفتار و دانش» است. او هرگونه تلاش برای ارتباط دین اسلام با دیگر ادیان و مکاتب را رد می‌کند. واژه‌هایی همچون سوسیالیسم اسلامی یا دموکراسی اسلامی را بی‌معنا می‌داند. زیرا اسلام هیچ‌گونه ارتباطی با مکاتب یا سیستم‌های فکری دیگر ندارد و هرگونه مشابهت تنها یک اتفاق است (قطب، ۱۹۷۵: ۹۸-۲۶۶). قطب با ارائه دلایل فقهی خواهان آن بود که اسلام از مفاهیم غیر اسلامی، پاک شود. در نظر قطب، متون اسلامی سنتی، توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای مسلمانان در همه دوره‌ها را دارند.

«معالم فی الطریق» نمره زندگی قطب و اوج آثار اندیشه‌ای سید قطب است. معالم فی الطریق به مانیفست اغلب جنبش‌های اسلام‌گرایی تبدیل شد و این اثر دریاچه ورود به ایدئولوژی جنبش اسلامی در دهه ۱۹۷۰ میلادی محسوب می‌شود. این کتاب در سال ۱۹۶۴ در زمینه رویارویی فرهنگ اسلامی با چالش‌های معاصر نوشته شد (رضوان السید، ۱۳۸۳: ۲۳). سید قطب با کنار گذاشتن اصلاحات «جنبش» و «حرف» به طور ضمنی به تبلیغ اسلام از طریق «شمشیر» و «کتاب» که هر دو لازم و ملزوم یک دیگرند اشاره کرده است.

اندیشه‌های قطب اولین و مهم‌ترین انشعاب را در تاریخ جمعیت در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی ایجاد کرد. اعضای انشعابی اخوان که تحت تأثیر اندیشه‌های قطب قرار داشتند، بیشتر به

عربستان مهاجرت کردند. مهاجرین در عربستان اندیشه‌های قطب را تبلیغ کردند؛ بعدها به صورت کامل از اخوان المسلمین مصر جدا شده و گروه‌هایی همانند «تکفیر و هجرت» و «جهاد اسلامی» را تشکیل دادند. بیشتر گروه‌های رادیکال اسلامی نوعی درک نادرست از اندیشه‌های او باعث ایجاد این رویکرد شده است. این گروه‌ها با رد تفاسیر سایر مسلمانان از دین و وظیفه دینی و سیاسی مسلمانان، آنها را جاهل نامیدند و هدف حملات خشونت بار خویش قرار دادند (دکمیان، ۱۳۶۶: ۱۴۲). همه محققان تاثیر و نقش سید قطب را بر نهضت و جنبش‌های اسلامی تاکید کرده‌اند؛ برداشت چنین تند و یک جانبه از افکار سید صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا قطب بیش آنکه بر جنبش‌های افراطی - تکفیری الگو باشد برای رشد اسلام‌گرایی و مقابله با استبداد داخلی و استکبار خارجی کارآمدتر به نظر می‌رسد؛ البته تزلزل - تحول در تفکر قطب انکار ناشدی است.

قطب از معدود متفکران عالم تسنن است قائل به «قیام، شورش و انقلاب علیه حاکم فاسد و ظالم» است (قطب، ۲۰۱: ۱۶۹). با ارائه الگوی انقلابی و قیام علیه ظلم و جور پیش از اینکه برداشت تندروی داشته باشد رویکرد انقلابی را آشکار می‌سازد. به نظر می‌رسد، سید قطب وظیفه ایدئولوژیک خلق الگوهایی را بر عهده داشت که از این طریق بتواند یک خیزش اسلامی را به منظور استقرار حاکمیت الهی بر روی زمین افزایش دهد. آنچه درباره اندیشه افراطی و تند رایکال تکفیری را به تفکر و تئوری قطب انتصاب می‌کنند، چنین نیست؛ بلکه قطب الگوی جدیدی در رویکرد سلفی اصلاحی ابداع کرد و باید سید قطب را در دسته سلفی نوگرا - اصلاحی و به نوعی دنباله رو افکار سید جمال و تا حدی با منش و سلوک جدیدی اهداف را دنبال کرده، قرارداد. سید قطب مهم‌ترین افکار جدید تهییجی خود را در کتاب معالم فی الطریق بیان کرده و این کتاب دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است. وی اولین اندیشمند جهان اسلام است که «کلمه اسلام امریکایی» را مطرح کرد.

۱. جاهلیت و اسلامیت: جامعه جاهلی از نظر سید قطب چه نوع جامعه‌ای است؟ وی در پاسخ به این سؤال و در کتاب معالم فی الطریق «نشانه‌های راه» چنین پاسخ می‌دهد؛ «هر جامعه‌ای که

اسلامی نباشد، جاهلی است؛ اگر بخواهیم تعریف دقیق‌تری ارائه دهیم، باید بگوییم که جامعه جاهلی، جامعه‌ای است که در ایمان، عقاید و قوانین آن چیزی به غیر خدا پرستش می‌شود» (قطب، ۱۹۸۳: ۱۲۵). درباره دنیای اسلام در دوره اندیشگی قطب معتقد است دنیای اسلام در شرایط جاهلیت؛ بلکه جاهلیت بدتر از زمان پیامبر پیش از اسلام را دارد. وی علت جاهلیت را در نبودن حاکمیت الهی می‌داند.

قطب جاهلیت جوامع امروز را به جاهلیت مدرن تعبیر می‌کند و این جوامع را بسیار خطرناک‌تر از زمان پیامبر (ص) می‌داند (قطب، ۱۳۶۷: ۱۳۷). وی مهم‌ترین مشخصه جاهلیت را بندگی بشر برای بشر می‌داند؛ وی می‌گوید: «بندگی بشر برای بشر به هر رسم و شیوه‌ای که باشد» (قطب، ۱۳۶۷: ۱۳۷). و «جامعه معاصر می‌تواند به جاهلیت قبل از اسلام برگردد و مثل آن باشد، تاکتیک کناره‌گیری از جامعه خود و برقراری تماس با جوامع اطراف و سپس هجرت از مکه به مدینه را برگزید و هنگام قدرت، تاکتیک جنگ علیه کفر و فتح جوامع جاهلی را داشت» (قطب، ۱۳۸۱: ۸۳). این شیوه نگرش دستاویز گروه‌های تکفیری شده و به خصوص داعش از اندیشه هجرت قطب بهره جسته است.

قطب تحت تأثیر اندیشه‌های مودودی، مسئله جاهلیت را مطرح می‌کرد. در عقیده قطب جاهلیت در برابر اسلام قرار دارد و این عصر به دوره قبل از اسلام محدود نمی‌شود. عصر جاهلیت محدودیت زمانی و مکانی ندارد و می‌تواند در هر دوره‌ای و در هر جامعه‌ای تکرار شود؛ عصر جاهلیت می‌تواند عصری در گذشته، حال یا آینده باشد. بر اساس اندیشه قطب، بین این دو جامعه نقطه مشترکی وجود ندارد و جامعه نمی‌تواند خارج از این دو حالت تصور شود. او وجود جامعه نیمه اسلامی و نیمه جاهلی را رد می‌کند در این رویکرد مسئله «منهج» مفهومی اساسی و دغدغه‌ای مرکزی در اندیشه و آرای سید قطب است. تعریف سید از منهج همان اسلام است (قطب، ۱۹۷۳: ۲۲۴).

۲. جهانشمولی: قطب با مفهوم ناسیونالیسم مخالف بود. معتقد بود، همه اشکال تعصب قومی، نژادی و وطن پرستانه تنها در یک جامعه جاهلی می توانند وجود داشته باشند و این تعصبات در اندیشه اسلامی پذیرفته شده نیست. او با ارائه تصویری منفی از جامعه عربی قبل از اسلام که مبتنی بر شرافت‌ها و تعصب‌های قومی و خانوادگی بود، تأکید کرد که اولین و مهم‌ترین موفقیت اسلام این بود که ارزش انسانی فرد را جایگزین این تعصب‌ها کرد (قطب، ۱۹۸۲: ۵۱۲). سید تعصب بر سرزمین پدری یا نژاد را نوعی بت پرستی می‌داند که می‌تواند اتحاد و انسجام جامعه اسلامی را نابود کند. سرزمینی که مسلمان باید خود را متعلق به آن بداند و از آن دفاع کند، دارالاسلام است (قطب، ۱۹۸۲: ۱۹۷). بر این اساس، سید باور داشت که پیروزی نهایی با اسلام است، «نه مسئله را سبک می‌شماریم و نه معرکه را بی‌خطر، ولی نتیجه را حتمی و تضمین شده می‌دانیم همه چیز، مؤید این حقیقت است همه چیز حقیقی و فطری و همه چیز در طبیعت جهان و در سرشت انسان... بسی موانع و انبوهی از واقعیت‌های موجود در سر راه این «نتیجه حتمی» خودنمایی می‌کنند (Binder, 2016: p181). قطب تفویض حاکمیت به رژیم ناسیونالیست عبدالناصر را نوعی شرک به حساب می‌آورد. هر چند در برخی منابع رویکرد ناسیونالیستی و روح عربی را در اندیشه قطب مورد تأکید قرار داده‌اند (مردادی، ۱۳۸۲: ۱۳). ولی آنچه در آثار قلمی قطب وجود دارد تزلزل نوشتاری و نداشتن انسجام است، در تفکر سیاسی چنین نیست.

۳. دارالاسلام و دارالحرب: قطب معتقد است که فقط یک دارالاسلام وجود دارد و شریعت خدا بر آن حاکم است و حدود خدا اقامه می‌شود و مسلمانان یار و دوست یکدیگرند (قطب، ۱۳۸۱: ۱۸۷). جامعه‌ای دیگر جز این، دارالحرب یا جامعه جاهلی است و جوامعی‌اند که بندگی‌شان ویژه پروردگار یگانه نیست (قطب، ۱۹۸۳: ۲۴۷). وی در تفسیر خود می‌گوید؛ «جامعه‌ای که در آن قوانین و فرامین خدای تعالی اجرا نمی‌شود و فقط خداوند بندگی نشود، جامعه جاهلی است و رابطه مسلمانان با آن، یا جنگ و پیکار است یا صلح است، بر مبنای امان دادن و جزیه گرفتن است» (قطب، ۱۹۸۳، ج ۴: ۱۸). تعریفی تازه از دارالاسلام و دارالحرب ارائه می‌کند که تا زمان وی سابقه نداشته، یک دارالاسلام بود که همان دولت اسلامی در آن استقرار

داشت، جز این همه دارالحرب است و رابطه مسلمانان جز با دارالاسلام جنگ و جهاد و مبارزه است (سید قطب، ۱۹۸۳: ۱۳۵). آنچه در افکار و اندیشه سید در زمینه دارالاسلام و دارالحرب وجود دارد با اقتباس از کتاب معالم الطريق است. نظام اندیشگی قطب متکی بر گسترش اسلام و حاکمیت اسلامی به سرزمین‌های جاهلی است و لو این سرزمین مسلمان باشد یا غیر مسلمان یک وظیفه در دیدگاه و اندیشه اسلام سیاسی قطب است.

۴. حاکمیت و مشروعیت: قطب برای نخستین بار نظریه حاکمیت را در کتاب «فی ظلال القرآن» مطرح کرد (رضوان السید، ۱۳۸۳: ۱۳۶). در سراسر کتاب معالم فی الطريق دو مفهوم وجود دارد؛ یکی «العبودیه» و دیگری «الحکمه» است. اصطلاح عبودیت از ریشه ستایش و عبادت گرفته شده و اصطلاح الحکمه از حکومت و قضاوت کردن است و از نظر سید قطب حکومت و حاکمیتی در یک جامعه اسلامی قانونی و مشروع است که حاکمیت خداوند باشد و به همین ترتیب، موضوع عبادت و پرستش هم فقط باید خداوند باشد. وی با تفسیر معنای «الله» در «لا اله الا الله» می‌خواهد این نکته را بیان کند که در مسائل اعتقادی نیز مهم‌ترین مسئله، مسئله الوهیت و عبودیت است و الوهیت به معنای حاکمیت خداوند تفسیر می‌شود (حسینی فائق، ۱۳۸۶: ۱۴۸). لذا هیچ حاکمیتی جز حاکمیت خدا و هیچ شریعتی جز شریعت خدا مقبول نیست. وی در نهایت چنین نتیجه می‌گیرد که هیچ‌یک از انسان‌ها نباید بر یکدیگر سلطنت کنند و سلطنت آنها غاصبانه است؛ چرا که سلطنت مخصوص خداوند است (قطب، ۱۳۸۱: ۳۷). سید قطب بر اساس دیدگاه اهل سنت به بحث درباره حکومت اسلامی می‌پردازد سید قطب در زمینه ضرورت وجود دولت حتی سخن به میان نیاورده و تنها توضیح می‌دهد که چرا باید از بین تمام حکومت‌ها حکومت اسلامی وجود داشته باشد. سید قطب ضمن اشاره به این مطلب که هر نظامی با توجه به مشکلات دوره و جامعه خود به وجود می‌آید و نظام شکل می‌گیرد، در این باره می‌گوید؛ «نخست یک جامعه اسلامی که در آن قوانین و اصول اسلامی باید تشکیل دهید آنگاه خواهید دید که حکومت اسلامی چگونه حکومت خواهد کرد» (قطب، ۱۹۸۲: ۴۸).

سید استدلال می‌کند که آنچه خلفای راشدین را به منصب رساند نه یک ضرورت و جبر دینی بلکه انتخاب و اختیار مطلق خود مسلمانان بود (قطب، ۱۹۸۳: ۲۱۳) طبق نظر او حاکم توسط مقبولیت مردمی تعیین شده و ولایت او نیز ولایتی مطلقه و ذاتی نیست، بلکه تا زمانی معتبر است که از شرع و حدود عدالت خارج نشود (قطب، ۱۹۸۳: ۲۲۷) قطب، به یک اسلام سیاسی باور دارد که در ذات خود تشکیل حکومتی اسلامی را دنبال می‌کند. او حکومت اسلامی را پس از پیامبر، یک حکومت غیرمقدس می‌داند که تنها مجری احکام خداست و حاکم تنها تا وقتی مشروعیت دارد که از عدالت فاصله نگرفته باشد.

جامعه بر پایه شریعت اسلامی را در حاکمیت خداوند، آئین و اندیشه، مبنای بشری و انسانی، اخلاق محور و ارزش مدار، خانواده و زن و فرزند، وظیفه انسان وظیفه اجرای الهی و «خلیفه الهی» می‌داند (قطب، ۱۹۸۳: ۱۱۲). اسلام و قوانین اسلامی را تنها راه حکومت و موفقیت آن می‌داند؛ چرا، به این دلیل که اسلام قابل جمع بین وطن خواهی و اسلام خواهی است، متناسب با شرایط روز جامعه است، افقی نو برای جامعه دارد و متفاوت از جامعه مسیحی است، اسلام هم محتوا دارد و هم کالبد طبیعی و ظاهر زندگی (قطب، ۱۹۸۳: ۵۶). بر این اساس معتقد است، حکومت سه ارکان اصلی عدالت حاکمان، اطاعت‌پذیری توده مردم و و حلقه وصل ارتباطی (مشورتی) بین مردم و حاکمان استوار است (قطب، ۱۳۵۳: ۴۸۵). بر این اساس سید نوع حکومت و نظام سیاسی را حکومت «شورا» می‌داند؛ زیرا سید معتقد است «حکومت شورا نوع و روش حاکمیتی و حاکمان مجریان شریعت خداوند هستند» (قطب، ۱۳۵۳: ۱۸). به اعتقاد او، اسلام اگر بخواهد عامل نجات باشد، باید حکومت کند، و شریعت اسلام قادر است با پیشرفت و تجدد حیات بشری هماهنگ باشد و قابلیت انطباق دارد.

۵. گروه پیشتاز: سید معتقد بود برای تحقق حاکمیت مدنظر با خیزش اسلامی میسر نیست، گروه پیشتاز باید شکل بگیرد. از طریق گروه و جماعت بصورت جنبشی گروه مومن و با تمسک به قرآن و تاسی به صحابه اقدام بکنند. قطب معتقد بود این گروه پیشتاز باید از سوی جدا شده از

جامعه جاهلی باشند و تعلق با اسلام اصیل داشته باشند تا بتوانند از شاخص‌های جاهلی رها و پیوسته به تعالیم اسلام باشند. از دیدگاه وی این جماعت مراحل متعددی را پیش‌رو دارند و در هر مرحله ای ابزارهای متناسب با آن دارد و در مرحله نهایی چاره ای جز فروپاشیدن جاهلیت نیست که از این طریق رهبری واقعی را ایجاد کنند (قطب، ۱۹۷۳: ۸). از نظر سید آماده سازی پیشگامان دو مرحله اساسی دارد؛ مرحله اول همانند دوره اول رسول الله در مکه آماده سازی مقدمات و آگاه‌سازی جامعه که سیزده سال به طول انجامید و بر پایه عقیده استوار است و مرحله دوم مرحله عملی که مثل دوره مدینه رسول الله است که مقابله با شرک و ده سال به طول انجامید و در این دوره مصائب و مشکلات زیادی وجود داشت (مردای، ۱۳۸۲: ۲۰۵) و حکومت اسلامی برای نخستین بار در اسلام استقرار یافت.

۶. جهاد: قطب جهاد را راهی برای رسیدن به جامعه اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی می‌پنداشت و مسلمان واقعی را کسی می‌دانست که در راه اعتلای اسلام جهاد کند (قطب، ۱۳۷۰: ۳۷). جهاد مدنظر سید همان شمشیر برنده اسلام هست که در برابر نظام جاهلی و نظام سیاسی آن باید استفاده شود. به طوری که وی بعد از تجزیه و تحلیل جامعه اسلامی و جامعه جاهلی در کتاب *معالم فی الطریق*، بخشی از کتابش را به عنوان *الجهاد فی سبیل الله اختصاص می‌دهد*. او راه رسیدن به حکومت اسلامی و نیز بهترین راه برای مقابله با یهود و صهیونیسم و کفار را فقط جهاد می‌داند و در کتاب «*معرکتنا مع الیهود*» به این نکته می‌پردازد (قطب، ۱۴۱۳: ۵۶). وی معتقد بود که مفهوم جهاد را نباید تا حد جنگ دفاعی پایین آورد و یا آن را با مبارزه درونی مؤمن علیه تهدیدها و هوس‌ها محدود کرد و می‌گوید: «اگر چنین فکر کنیم که تنها با حرف و سخن میتوان به جهاد مبادرت ورزید، به بیراهه و سراب رفته‌ایم» (قطب، ۱۹۸۳: ۶۰). در واقع قطب جهاد و مبارزه را در دو جنبه درونی و بیرونی لازم بر می‌شمارد. از سویی معتقد است که نباید جهاد و دفاع در اسلام محدود و منحصر به سخن و تبلیغ باشد؛ یعنی نظام دفاعی را ضروری میدانند. از سوی دیگر تنها جنگ دفاعی را به عنوان وسیله کافی در موفقیت نمی‌دانند. در نتیجه، قطب جهاد علیه استعمار را لازم و اجتناب‌ناپذیر دانسته و منظر سید قطب جنگ برای دفاع ضرورت دار. آن

گونه که قطب اذعان کرده است؛ ضروری است در برابر انگلیس، آمریکا و رژیم صهیونیستی باید ایستادگی کرد. همین موضوع جنگ و جهاد دستاویز گروه های تروریستی و تکفیری قرار گرفته و از اندیشه قطب برداشت افراطی را برداشت کرده اند. در حالیکه؛ قطب تمام همت خود را برای استقرار حکومت خدا و مبارزه با کفر به کار بسته و یکی از روش های مبارزه از منظر وی مشی مسلحانه و جهاد بوده است.

همان طور که اشاره شد؛ سید قطب به طور ضمنی به تبلیغ اسلام از طریق شمشیر و کتاب اشاره می کند و هر دوی آنها را لازم و ملزوم و مکمل یکدیگر می خواند (قطب، ۱۹۸۳: ۶۲). از طرفی به طور ضمنی حکم به جهاد علیه استعمار می دهد (قطب، ۱۳۸۱: ۲۷). و یا جنگ با نیروهای متجاوز انگلیس و آمریکا و صهیونیسم و فرانسه را که به کشورهای مسلمان مثل فلسطین و کشورهای شمال آفریقا، تجاوز کرده اند، واجب می داند و از آن به جنگ دفاعی تعبیر می کند (قطب، ۱۳۹۱: ۱۱۴). همه این تلاش ها با هدف استقرار حاکمیت خداوند در روی زمین باشد تا به این وسیله تمام گناهان، رنج ها و فشارها رفع گردد. در حقیقت با تفسیر قطب در باب جهاد و برداشت گروه های تکفیری از «جهاد قطبیسم» آن را سرچشمه تفکر افراطی می دانند.

مبانی نظری اندیشه و آرای امام خمینی در باب اسلام سیاسی

امام خمینی در ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۲ میلادی در شهرستان خمین از توابع استان مرکزی ایران در خانواده ای اهل علم متولد شد. باب اسلام سیاسی اولین اثری که امام به اندیشه نظام سازی اشاره کرد در سال ۱۳۲۲ با انتشار کتاب «کشف اسرار» بود که برخی از فجایع رژیم را آشکار کرد و در پاسخ به کتاب «اسرار هزار ساله» حکمی زاده برای نخستین بار در این کتاب نظریه حکومت اسلامی را مطرح کرد و ضرورت نهضت را تئوریزه کرد (روحانی، ۱۳۶۰: ۱۴۶).

اصول و مبانی اندیشه ای امام خمینی (ره):

اسلام سیاسی امام خمینی (ره) برگرفته از آموزه‌های اسلام شیعی است. تحول ایدئولوژیکی تشیع به رهبری امام از مهم‌ترین اندیشه‌های انقلابی-اسلامی است که در دوره معاصر، ارائه و عملی شد. امام در چهار مرحله به نظریه ولایت فقیه پرداختند، در مرحله نگارش «کشف اسرار» در سال ۱۳۲۳، در سال ۱۳۳۱ در «رسائل»، در ۱۳۴۳ در «تحریر الوسيله» و در سال ۱۳۴۸ «کتاب البیع» نظریه ولایت فقیه را مطرح کردند. امام اولین حکومت مستقل ولایت فقیه را در عمل اجرا نموده و کامل‌ترین نظریات در مورد ولایت فقیه را ارائه نموده‌اند، ضرورت تشکیل حکومت را که از دلایل عقلی ولایت فقیه است چنین بیان می‌کنند: «احکام الهی اعم از احکام مالی، سیاسی و حقوقی همچنان باقی است و نسخ نشده است و نفس وجود احکام، ضرورت حکومت و ولایت را اقتضاء دارد و حفظ قوانین الهی جز از طریق تشکیل حکومت ممکن نیست؛ زیرا مستلزم هرج و مرج خواهد بود» (خمینی، ۱۳۸۵: ۶۱۹). ایشان معتقدند همان‌طور که پیامبر (ص) برای اجرای احکام دین حکومت تشکیل دادند، پس از ایشان نیز از آنجایی که احکام و حدود و قوانین جزایی اسلام و جهاد باید اجرا شوند و تعطیل بردار نیست، تشکیل حکومت ضرورت دارد. چنانکه بعد از رحلت پیامبر (ص) کسی درباره لزوم حکومت شکی نداشت و همه مسلمین در اینکه باید حکومت باشد اتفاق داشتند و فقط در شخص مورد نظر اختلاف بود (خمینی، ۱۳۸۸: ۲۸).

۱. **سیاسی بودن اسلام:** مشخصه اصلی قرائت امام از اسلام، سیاسی بودن آن است. در کلام امام «اسلام تمامش سیاست است و سیاست مدن از اسلام سرچشمه می‌گیرد» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۶۵). امام خمینی (ره)، تفسیری از اسلام ارائه می‌دهد که در آن اسلام «برخلاف مکاتب غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی دخالت دارد» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۶۵). در نتیجه، جدایی دین از سیاست موضوعیت ندارد؛ زیرا جدایی دین از سیاست نوعی بدعت است و برآمده از آموزه‌های قرآن و سیره پیامبر و ائمه نیست. در نتیجه دولت باید بر اساس دین تشکیل شود. که نتیجه سیاسی آن ریشه دواندن نظام سیاسی در جامعه است که خودبه خود به تحکیم و ثبات نظام سیاسی می‌انجامد. پس، از یک طرف، یک نوع رابطه که بر اساس فرهنگ مشارکتی به وجود می‌آید، ایجاد می‌شود و این رابطه فرهنگ

مشارکتی، به مشروعیت دولت منجر می شود؛ زیرا سیاست را الهی می کند؛ و نظام دولت دینی بر محوریت ولایت فقیه که یکی از مؤلفه های دین گرایی است، تأسیس می شود. رابطه دین گرایی دولت و جامعه، ویژگی دیگری هم دارد و آن اینکه فرد از حالت انفعال خارج می شود و به صورت شهروندی فعال در مسائل سیاسی درمی آید؛ که این فعال بودن به تقویت دولت می انجامد، نه به تزلزل آن. رابطه دین گرایی دولت و جامعه در نظام دینی باعث می شود یک تعادل اجتماعی هم ایجاد شود. بر این اساس، اجرای عدالت از سوی دولت دینی باعث می شود اعتماد اجتماعی پشتوانه محکمی برای بقای دولت در بحران های سخت باشند.

۲. جهانشمولی: در نگاه امام(ره) اسلام دین جهانشمولی است که هیچ یک از تقلیل های قومی، زبانی و نژادی در آن راه ندارد «اسلام برای طایفه خاصی نیست، اسلام برای بشر آمده است نه برای مسلمانان و نه برای ایران. انبیاء مبعوث بر انسان ها هستند و پیامبر اکرم(ص) مبعوث بر انسان ها بود. خطاب به ناس می باشد؛ یا «ایهاالناس» و ما نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم (صحیفه نور، ج ۱۰: ۱۱۵). نظریه امت گرایی امام تحت این مؤلفه قابل تبیین است. «اسلام نه دعوتش به خصوص معنویات است و نه دعوتش به خصوص مادیات است، هر دو را دارد (صحیفه نور، ج ۲: ۲۲۵). یعنی دین اسلام در سعادت بشری و قرب الهی به مادیات و معنویات توجه کرده و مسائل مادی وسیله رسیدن به مرحله معنوی و مکمل است.

۳. حاکمیت و مشروعیت: امام درباره حکومت بیان کرده اند: «اما جمهوری به همان معنایی که همه جا جمهوری است، لکن این جمهوری بر یک قانون اساسی متکی است که قانون اسلام می باشد. اینکه ما جمهوری اسلامی می گوئیم برای این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری می شود، اینها بر اسلام متکی است، لکن انتخاب با ملت است و طرز جمهوری هم همان جمهوری است که در همه جا هست» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴۵). جمهوری مقصود امام در نهایت معطوف به نفی سلطه است. از نظر استاد مطهری، اسلامی بودن این جمهوری به هیچ وجه با حاکمیت ملی یا به طور کلی دموکراسی منافات ندارد (مطهری، ۱۳۶۷: ۸۴). آیت الله

مکارم شیرازی نیز بیان کرده اند؛ جنبه مردمی در اندیشه و نهضت امام، از جهت اول، حکومت به‌عنوان ودیعه‌ای الهی تلقی می‌شود و حکام و زمامداران در شکل نمایندگان خدا باید عمل کنند. مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش بر پایه «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» ضروری است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۵۰). هرچند پیشاپیش شرط خاصی از جانب خداوند برای حاکمان تعیین نشده است (ورعی، ۱۳۹۳: ۴۴). به اعتقاد ایشان، مهمترین شاخصه حاکم در نظام سیاسی مطلوب داشتن علم فقهات و اجتهاد، صفت عدالت و تقوا و درایت است. در مکتب سیاسی اسلام زیرا علم فقهات، آگاهی می‌آورد و بر اساس آن، حاکم می‌تواند احکام الهی را اجرا کند و حافظ این احکام باشد. شاخص اصلی برای رهبر و زمامدار جامعه اسلامی به قدری مهم است و اهمیت دارد که بسیاری از اندیشمندان اسلامی، علت اساسی انحطاط، جمود، تفرقه و عقبماندگی ملت و کشور اسلامی را نبود فقیه عادل، مدبر و باکفایت دانسته‌اند.

۴. **نفی سبیل:** سلطه نگرفتن و سلطه پذیرفتن از اساس اندیشه سیاسی امام در اسلام سیاسی نیز هست. «ما منطلقان، منطلق اسلام است، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید. ما می‌خواهیم نیرویم زیر سلطه» (صحیفه نور، ج ۲: ۱۳۹). یعنی استقلال در تمام زمینه‌ها و عدم وابستگی است. حمایت از مظلومین و محرومین در این رویکرد نیز قابل تحلیل است.

۵. **وحدت و امت واحده:** امام (ره) می‌خواست با وحدت و انسجام ملی و اسلامی و ایجاد همبستگی اسلامی بین مسلمانان، همه ملل اسلامی به استقلال و آزادی دست یابند، زیرا مسلمین باید برای به‌دست آوردن استقلال و آزادی این کلید پیروزی را به‌دست آورند و برای وحدت کلمه کوشش کنند (صحیفه نور، ج ۶، ۱۲۳-۱۲۲). امام خمینی (ره) با توجه به مشترکات بسیار میان شیعیان و اهل تسنن در اصول و فروعات کلیدی و مهم دین و اختلافات در برخی از فروعات دینی، جهان اسلام را به مثابه یک نظام واحد، یکپارچه و منسجم تلقی می‌کند. ائمه و فقهای عادل موظف‌اند از نظام و تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و

خدمت به مردم استفاده کنند. از نظر امام در سطوح اجتماعی نیز مبارزه با ظلم و برقراری عدالت اجتماعی لازم است (صحیفه امام، ج ۹، ۴۲۴). و زمینه سازی امت واحده می باشد.

مقایسه مبانی تفکری امام خمینی و سید قطب؛ آثار و نتایج آن

اسلام سیاسی، مفهوم جدید است که در برابر اسلام سنتی پدید آمده است و به دنیای مدرن تعلق دارد. در ارائه یک تعریف کامل از اسلام سیاسی وجود دارد، بیشتر نویسندگان ترجیح می دهند واژه های اسلام گرایی و اسلام گرا را به کار ببرند در تقسیم بندی جریان های اسلامی و نهضت اسلامی، همه نهضت های اسلامی حرکت خود را حرکت اسلامی می دانند و خواهان ایجاد دولت اسلامی و نظام سیاسی هستند (Roy, 1994: 200). اسلام سیاسی یک نیروی برجسته و برتر برای تغییرات نوین در عرصه جهان اسلام است که «اسلام راه حل است» را شعار خود قرار داده (بابی، ۱۳۷۹: ۲۰). برخی معتقدند در گفتمان اسلام سیاسی، دین فقط یک اعتقاد نیست بلکه ابعادی فراگیر دارد و تمامی عرصه زندگی بشر را در بر می گیرد. برخی از گزاره های اسلام سیاسی مانند «اعتقاد به جداناپذیری دین از سیاست»، «اعتقاد به تشکیل دولت مدرن بر اساس اسلام»، «اعتقاد به استعمار غرب عامل عقب ماندگی مسلمانان»، «نارضایتی از سیاست های استبدادی حاکم» و... می باشد (روا، ۱۳۷۸: ۲۳).

در یک بررسی کلی اندیشه ای سیاسی در جهان اسلام را می توان در دو حوزه جهان تشیع و جهان اهل سنت دسته بندی کرد. با مطالعه شاخصه های نهضت های اسلامی و بعد از پشت سر گذاشتن دوران طلایی اسلام سیاسی در دهه ۷۰ و یا ۸۰ میلادی که اوج آن وقوع انقلاب اسلامی در ایران بود که موجب تاسیس نظام سیاسی و تحول و استمرار اسلام سیاسی شده است. اندیشه سید قطب دستاویز گروه های افراطی و تکفیری در جهان اسلام شده و برداشت های نادرست از اندیشه سید قطب مورد اذعان و اعتراف گروه های تکفیری نیز بوده است (ر.ک: فاطمی نژاد، ۱۳۹۲ و بخشی، ۱۳۸۵).

در مقایسه دو متفکر مسلمان معاصر مستفاد می‌شود مبانی اندیشه سیاسی و آرای امام متکی بر تفسیر، عقل‌گرایی، وحدت، نفی سیل، تکلیف و عدالت محوری و اجتهاد و فقه پویا است. نظام فکری تسنن و قطب بر نص‌گرایی، اجازه جهاد و مبارزه با دولت‌ها و نظام‌های سیاسی برای نابودی چون در جاهلیت به سر می‌برند.

تفسیر در تشیع جایگاه ویژه‌ای دارد. تفسیر قرآن و سخنان امامان معصوم منبعی برای یافت احکام دین و بخصوص موضوعات جدید در جامعه امروز تلقی در نظر گرفته می‌شود. عقل‌گرایی در اصول فقه شیعه متبلور شده است. در مبانی اندیشه و آراء فکری قطب هم کمتر دیده شده است. و در گروه‌های تکفیری - تروریستی به جای عقل‌گرایی عقل ستیز بوده و ظاهر گرا هستند.

اجتهاد آخرین عنصر از عناصر تفکر تشیع با تمرکز با تفکرات امام خمینی است که با نص‌گرایی و ظاهر‌گرایی تضاد دارد. اجتهاد یعنی استفاده از نیروی ذهن برای دستیابی به احکام شریعت از میان منابع و با کمک علم اصول فقه در اندیشه سیاسی به این موضوع توجه نشده و در اهل تسنن نیز وجود ندارد. تنها تفاوت قطب با سایر متفکران هم مذهب قیام علیه حاکم ظالم مجاز شمرده شده است. امام به اجتهاد جایگاه خاص و ویژه قائل بودند. در واقع اجتهاد را برای عملی ساختن قوانین اسلام در زمان فعلی و در قالب قوانین امروز لازم میدانست (صحیفه امام خمینی، ج ۲: ۴۶۶).

در مجموع نص‌گرایی و ظاهر‌گرایی شدید به دو علت موجب خشونت می‌شود. از یک طرف، کافر خواندن گروه‌هایی را به همراه دارد که به گذشتگان توسل میکنند یا برای فهم نصوص به علما رجوع میکنند. از طرف دیگر برداشتهایی که بدون وجود مرجعیت و متخصصان دین از نص می‌شود بنا به طرز تفکر و سطح فهم انسانها متفاوت است و همین موجب اختلاف‌افکنی و کافر دانستن همه به‌جز خود می‌شود. در بررسی نظام اندیشه سید قطب با اصلاح و تکفیر گفتنی است که نظام فکری قطب منطقی پایدار بر پایه‌های فقه تسنن است. از زمان شروع جهاد و قیام علیه حاکم فاسد شروع کرده و شیوه تشکیل گروه پیش‌تاز را تبیین کرده است. نظام فکری گروه‌های افراطی

متناقض و در برخی موارد متضاد نیز هست و انسجام اندیشه نداشته و بیشتر به دشمنی و کینه توزی نسبت به خاندان رسالت پرداخته اند. برای نمونه ابن تیمیه در کتاب «منهاج السنه» وی مشهود است این درحالی است که قطب در کتاب «معالم الطريق» چنین رویکردی را نداشته و بیشتر مشی جهاد فی سبیل الله را تشریح کرده است. تکفیری ها تاکید بر ظاهر گرایی دارد. در حدیث گرایی و بازگشت مستقیم به قرآن و ظاهر گرایی خشونت و تندرویی را به همراه داشته است. نص دارای نشانه تولید خشونت بوده و فهم غیر اجتهادی را دارد. نص به دلیل توسل به گذشته و دریافت ظاهری از قرآن، موجب اختلاف و کفر میشود.

نتیجه گیری

مقایسه اندیشه و آرای دو اندیشمند جهان اسلام نشان می دهد که دارای نقاط اشتراک مهم و افتراق اساسی هستند. از هدف مشترک دو اندیشمند حل معضلات سیاسی - اجتماعی پدیدار شده در جامعه هستند، که باور به سیاست (اسلام سیاسی) اعتقاد بر مبنا دین و شریعت، جهان شمولی دین از مهمترین وجوه اشتراک اندیشه امام خمینی و سید قطب است. و بر این اساس به نظریه پردازی و تئوری اسلام سیاسی در جهان اسلام پرداخته اند. در بسیاری از ویژگی ها و شرایط حاکمیت و مشروعیت اشتراکات زیادی دارند که در متن به صورت تحلیلی بیان گردید.

بنیان تفاوت تفکری امام و قطب در فقه سیاسی و دستگاه اندیشگی تشیع و تسنن است، امام بر پایه فقه سیاسی شیعه نظام سیاسی را بر پایه ولایت فقیه تبیین و عملیاتی کرده است، سید قطب بر پایه اندیشه اهل سنت و از طرف مردم و نظریه «شورا» را ارائه کرده است. در بر کناری حاکم قطب بر این باور است که مردم اجازه بر کناری حاکم را دارا هستند این درحالی است که مردم به رهبری «ولی فقیه» مشروعیت نمی دهند بلکه مقبولیت از طرف مردم است که از موضوع جدی تفاوت در دستگاه فکری دو مذهب است.

قطب متکی به نص هست؛ آنچه در ارجاع مستقیم به نص وجود دارد آن است که نص واجد نشانه های زیادی است که تولید خشونت می کند و اتکای به فهم غیر اجتهادی مؤمنان می تواند به

کشتار دیگران منجر شود. در مجموع نص‌گرایی و ظاهر‌گرایی شدید به دو علت موجب خشونت می‌شود. از یک طرف، کافر خواندن گروه‌هایی را به همراه دارد که به گذشتگان توسل می‌کنند یا برای فهم نصوص به علما رجوع میکنند از طرف دیگر برداشتهایی که بدون وجود مرجعیت و متخصصان دین از نص میشود بنا به طرز تفکر و سطح فهم انسانها متفاوت است و همین موجب اختلاف افکنی و کافر دانستن همه به جز خود می‌شود. در این زمینه از نقاط مهم افتراق اندیشه امام و قطب است.

نوشته و اندیشه های قطب کارکردهای مختلفی برای گروه‌های اسلام‌گرا داشت به خصوص گروه‌های تندرو برداشت و تفسیر خود را داشتند، نوشته های قطب توجیحات فکری تمایلات ضد غرب را در خود داشت، دوم تاکید خاص و ویژه به استقرار جامعه اسلامی طبق موازین شرعی که خود زمینه انحراف را در خود داشت چون پیاده سازی جامعه همانند دوره رسول‌الله (ص) مقصود قطب بود که با اندیشه امام متفاوت است در اندیشه امام نظام مبتنی بر ولایت فقیه در غیبت امام زمان است. و دیگر اینکه حقانیت سرنگونی دولت های جهان و دولت های اسلامی با بهره گیری از «جهاد» و «گروه پیشتاز» که باید سازماندهی شود که این رویکرد نیز در حکم جهاد ابتدایی است که در عصر رسول‌الله صورت می‌گرفت و با اندیشه امام خمینی متفاوت است. در نتیجه بنیادهای فکری قطب علیرغم شباهت های فراوان با اندیشه امام خمینی، مجراهای مشابهتی را با گروه‌های تکفیری و تندرویی در اسلام معاصر و کنونی را نیز باز گذاشته است که امروزه گروه‌هایی نظیر القاعده، داعش و تکفیری ها با استناد آن خود را منتسب به قطب کرده و فعالیت می‌کنند. با اینکه اندیشه سید قطب از نظر مبانی اعتقادی یا فقهی با افراط‌گرایان فاصله داشته و اندیشه قطب اصلاحی و با مشی جهادی - انقلابی بوده است.

نتیجه و پیامد ثنوری پردازی دو اندیشمند اینکه؛ در الگو بودن تفکر امام و قطب مورد استفاده قرار گرفته و گروه‌ها اذعان دارند که از نقاط مشترک بوده و هر دو به سیاسی بودن اسلام تاکید دارند. از تفاوت مهم تفکر امام و قطب این است که اندیشه امام برای نهضت مقاومت و انقلابی

مورد استفاده قرار گرفته این در حالی است که گروه‌های تکفیری القاعده و داعش اذعان می‌کنند نظریه قطب راهنمای عمل آنها بوده است که نشانه جامع بودن فقه شیعه و اندیشه امام و جای تفسیر و غیر جامع بودن اندیشه قطب بوده که نص گرا بوده است. در نتیجه مهم‌ترین مبنای فکری و اندیشه امام خمینی (ره) و سید قطب با تمرکز بر اسلام سیاسی در جدول زیر به صورت مقایسه تطبیقی نمایش داده شده است. که وجود اشتراک و افتراق فکری - سیاسی دو اندیشمند جهان اسلام در جدول ترسیمی نمایان شده است.

جدول شماره (۱): مقایسه تطبیقی اندیشه امام خمینی (ره) و سید قطب

ردیف	شاخصه تئوری	امام خمینی (ره)	سید قطب
۱	هدف از نظریه پردازی و نگاه به مسائل جهان اسلام از منظر حل معضلات سیاسی - اجتماعی	*	*
۲	بن مایه فکری و سرشت اندیشه برگرفته از اسلام: سیاست گرایی به اسلام و اسلام گرایی در سیاست	*	*
۳	باور و اعتقاد وثیق به پیوند بین دین و سیاست و کارآمدی شریعت در برپایی حکومت اسلامی	*	*
۴	ماهیت و بروز اجرایی اندیشه پردازی در جامعه با شکل و قالب استبداد ستیزی و استکبار ستیزی	*	*
۵	قائل به تاسیس حکومت اسلامی / نظام سیاسی مبتنی بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی (انتخابات)	*	-
۶	قائل به تاسیس حکومت اسلامی / نظام سیاسی مبتنی بر مشروعیت مردمی (شورا) و مقبولیت مردمی (انتخابات)	-	*
۷	تفسیر گرایی و باور و عمل به اجتهاد	*	-
۸	نص گرایی و ارجاع مستقیم و عمل به برداشت ظاهری از آیات و روایات	-	*
۹	قائل به رویکرد مسالمت آمیز در مبارزه و جهاد دفاعی با مقاومت اسلامی و بسیج مردمی	*	-

*	-	<p>۱۰</p> <p>قائل به رویکرد مسلحانه در مبارزه و جهاد نظامی با تشکیل گروه پیشناز</p>
-	*	<p>۱۱</p> <p>نتیجه نظریه پردازی توانایی در تاسیس نظام سیاسی و الگو موفق برای نهضت های اسلامی (نمونه یمن)</p>
*	-	<p>۱۲</p> <p>نتیجه نظریه پردازی ناتوانی در تاسیس نظام سیاسی و محل استاد و رجوع گروه های تکفیری (نمونه القاعده)</p>

منابع و مأخذ

- ابراهیم محمد و دیگران(۱۳۸۴)، اخوان المسلمین مصر، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- بابی، سعید (۱۳۷۹)، هراس بنیادین اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه غلام‌رضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران: دانشگاه تهران.
- بخشی شیخ احمد، مهدی(۱۳۸۵)، سید قطب و اسلام‌گرایی معاصر، فصلنامه علوم سیاسی، بهار، شماره ۳۳، صفحات ۱۷۱-۱۹۰.
- بهرز لک، غلام‌رضا(۱۳۸۳)، اسلام‌گرایی و نابسندگی تحلیل غربی، زمانه شماره ۳۰.
- حسینی فائق، محمد مهدی(۱۳۸۶)، سیری در اندیشه سیاسی سید قطب، ره آورد سیاسی، تابستان، شماره ۱۶، صفحات ۱۳۷-۱۵۶.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۶)، اسلام‌تاب محمدی در کلام و پیام امام خمینی، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۸)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- روا، الیویه(۱۳۷۸)، تجربه اسلام سیاسی، تهران: مرکز انتشارات بین‌المللی صدرا.
- روحانی، حمید(۱۳۶۰)، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، تهران: انتشارات راه امام.
- سوزنگر، سیروس(۱۳۸۳)، اندیشه‌های سیاسی سید قطب، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- السید، رضوان (۱۳۸۳)، اسلام سیاسی معاصر در کشاکش هویت و تجدد، مترجم مجید مرادی، تهران: باز
- فاطمی نژاد، مجید(۱۳۹۲)، برداشت‌های القاعده از افکار جهادی سید قطب، پژوهشنامه سراج منیر، سال سوم، شماره ۱۲، زمستان، صفحات ۳۱-۵۲.
- قطب، سید (۱۹۹۳)، المستقبل لهذا الدین، قاهره: دارالشروق، الطبعة الرابعة عشرة،
- قطب، سید (۱۳۷۰)، ما چه می‌گوییم؟ سید هادی خسروشاهی (ترجمه و تفضیل). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قطب، سید (۱۳۷۹)، عدالت اجتماعی در اسلام، مباحثی در زمینه‌های جامعه، اقتصاد، سیاست و حکومت. سید هادی خسروشاهی و محمدعلی گرامی (ترجمه و توضیحات). تهران: کلبه شروق.
- قطب، سید (۱۳۸۱)، عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه: خسروشاهی، قم: مرکز البحوث العالمیه.
- قطب، سید (۱۳۹۰)، نشانه‌های راه، ترجمه: محمود محمودی، تهران: احسان.

- قطب، سید (۱۹۷۳). المعالم فی طریق، بیروت قاهره: دارالشروق.
- قطب، سید (۱۹۷۵). العدالت الاجتماعیه، بیروت و قاهره : دارالشروق.
- قطب، سید (۱۹۸۲). فی ظلال القرآن الکریم، بیروت و قاهره : دارالشروق.
- قطب، سید (۲۰۰۲)، دراسات اسلامیه، بیروت: دارالشروق.
- قطب، سید (۲۰۰۷). خصائص التصور الاسلامی و مقوماته، بیروت و قاهره: دارالشروق.
- قطب، سید (۱۳۶۷)، ویژگی های ایدئولوژی اسلامی، ترجمه: علی حجتی کرمانی، تهران، بی.نا.
- قطب، سید (۱۴۱۳)، معرکتنا مع اليهود، بیروت: دارالشرق.
- قطب، سید (۲۰۰۱)، العالمی و السلام و العالم القاهره، دارالشرق.
- قطب، محمد (۱۳۵۸)، سیمای جهل در غرب، مترجم سعید خلیل خلیلیان، تهران: اسلامی.
- کوبل، ژیل (۱۳۶۶). پیامبر و فرعون. حمید احمدی (مترجم). تهران: انتشارات کیهان
- مرادی، مجید (۱۳۸۲)، «تقریر گفتمان سید قطب»، نشریه علوم سیاسی، ش/ ۲۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹)، طرح حکومت اسلامی، مطبوعاتی هدف.
- ورعی، جواد (۱۳۹۳)، امام خمینی و حق تعیین سرنوشت، فصلنامه سیاست متعالیه، سال دوم، شماره چهارم، بهار، صص ۴۳-۶۰.

Foucault, M (1962), The Archaeology Knowledge, Translated by A.Sheridan clondon: Routledye.

Kramer, Martin (2009), Arab Awakening and Islamic Revival: The Politics of Ideas in the Middle East, New Jersey: State University of New Jersey.

Roy, oliver (1994), The Faihure of political Islam, London: I. B. Taurisp200